

# به دنبال شب آتشین اوین

## گزارش «اعتماد» از نیم قرن تاریخ زندان اوین و زندانیان معروفش

### بنفشه سام‌گیس

معروفترین زندان ایران است. وقتی اسم «زندان اوین» را به زبان می‌آورید و از سابقه حضور يك زندانی در این زندان فرسوده و 51 ساله حرف می‌زنید، به چشم‌های مخاطبان نگاه کنید تا رسوب تدریجی ترس را در نگاهش ببینید. اسم «زندان اوین» در این 5 دهه برای همه مردم ایران مترادف با ترس بوده چون به پیشانی این زندان، برجسب ابدی محل نگهداری زندانیان سیاسی، فعالان مدنی و معترضان وضع موجود خورده است. نام زندان اوین، چه آن زمان که سلول‌هایش میزبان مردانی همچون خسرو گل‌سرخي و بیژن جزني و آیت‌الله طالقانی بود و چه امروز و همه این 4 دهه که خانه موقت و گاه دایمی چهره‌های فرهیخته و اندیشمند کشور شده، همیشه باعث رعب و وحشت روانی بوده. این زندان واقع در شمالی‌ترین نقطه پایتخت به واسطه مهمانان، چه آنها که از این مکان زنده بیرون آمدند و چه آنها که هیچ‌گاه مجال خروج نداشتند، مکانی است نامحبوب و نفرین شده که انگار طلسمش با رنج و مرگ می‌شکند.

#### زندان اوین چیست و کجاست؟

از اتوبان چمران که به سمت شمال بروید، اگر به تپه‌های روبه‌رو نگاه کنید، نمایی محو از يك دیوار ممتد و دوار روی تپه‌ها می‌بینید. این دیوار همان حفاظ امنیتی زندان اوین است و ساختمان اصلی زندان که شامل بندهای 7 (ویژه نگهداری زندانیان با جرایم عمومی) بند هشت (ویژه نگهداری زندانیان سیاسی و دارای احکام قطعی) بند چهار (ویژه نگهداری زندانیان سیاسی عقیدتی و زندانیان مشهور اختلاس مالی اقتصادی) بند ۳۵۰ (ویژه نگهداری زندانیان سیاسی) بند ۶ یا بخش 3 سابق (عمومی و زیرنظر قوه قضاییه) بندهای 240 و ۲۰۹ (دراختیار وزارت اطلاعات) بند ۳۲۵ (دادگاه ویژه روحانیت) بند ۴ (ویژه محکومان بدون حکم قطعی و قرنطینه) بند ۶ یا ۳۵۰ سابق (ویژه زندانیان مالی و خدماتی) بند 241 (متعلق به اداره

حفاظت قوه قضایه) بند 2 - الف (متعلق به اطلاعات سپاه؛ تحت نظر قرارگاه ثارالله) و بند زنان است، در مرکزیت این دیوار مرتفع واقع شده است. از دو دهه قبل و بعد از احداث پل «یادگار»، از مسیر غرب به شرق این پل هم اشراف بر محوطه زندان اوین ایجاد شده و رانندگان عبوری از این مسیر می‌توانند از فاصله نزدیک‌تری محوطه محصور زندان را ببینند. امروز زندان اوین 51 ساله است. در منابع تاریخی مکتوب، زمان افتتاح زندان را سال 1350 ذکر کرده‌اند که از زمان افتتاح تا بهمن 1357، زیر نظر سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) اداره می‌شد و طی 4 دهه اخیر، «ندامتگاه اوین» که بزرگ‌ترین زندان محل نگهداری زندانیان سیاسی و جرایم مرتبط با امنیت ملی است، زیر نظر سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و ابسته به قوه قضایه قرار دارد اگرچه که بندهای مختلف زندان، بسته به اینکه محکومان توسط کدام نهاد امنیتی دستگیر شده باشند، ناظر و مسولیت جداگانه از قوه قضایه دارد. طی 5 دهه گذشته و به دنبال افزایش تعداد زندانیان سیاسی، امنیتی، عقیدتی، ظرفیت پذیرش زندان افزایش داده شده در حالی که در زمان افتتاح (1350) گنجایش کل زندان در 20 سلول انفرادی و دو بند عمومی، فقط ۳۲۰ نفر بوده اما چند سال بعد از افتتاح و آغاز بهره‌برداری از زندان و در سال 1356، تعداد سلول‌های انفرادی به 100 سلول افزایش می‌یابد و بندهای جداگانه برای زندانیان زن و همچنین محکومیت عمومی ایجاد می‌شود که به دنبال این تغییرات، در ماه‌های پایانی سال 1356، ظرفیت زندان اوین به 1500 نفر افزایش می‌یابد. طی 4 دهه اخیر هم افزایش آمار زندانیان ورودی به «اوین» دلیلی بر تغییرات کاربری برخی ساختمان‌ها و تبدیل آنها به محل نگهداری زندانیان جدید بوده چنانکه گفته می‌شود ظرفیت نهایی زندان اوین حدود 3000 نفر است در حالی که به استناد منابع مکتوب در وبسایت‌های رسمی، امروز در بند 7 (ویژه نگهداری زندانیان با جرایم عمومی) و معروف به باکیفیت‌ترین بند زندان در کشور، ظرفیت نگهداری تا 1400 نفر است اما به دنبال تعدد احکام صادره و افزایش تعداد محکومان مرتبط، آمار نگهداری در این سالن‌ها، گاه تا بیش از 4000 نفر هم رسیده است. در نمونه دیگر از تغییر کاربری‌ها به جهت افزایش آمار زندانیان سیاسی و امنیتی می‌توان به بند هشت زندان اشاره کرد که تا بهمن 1357، ساختمانی با کاربری اداری بوده و بعد از بهمن 1357، به دادگاه انقلاب تبدیل شده و در سال‌های بعد و پس از استقرار دادگاه انقلاب در خیابان شریعتی، این بخش از ساختمان هم به بند نگهداری محکومان سیاسی و امنیتی تبدیل شده است. تعدد ناظران و صاحبان و مسوولان بندهای مختلف زندان، تفاوت وضعیت

سازه‌ای، تفاوت امکانات نگهداری و حتی تفاوت امکانات مورد نیاز زندانیان را هم سبب شده است. به عنوان مثال، بنا به اعلام مسوولان قوه قضاییه و سازمان زندان‌ها، زندان اوین دارای یکی از مجهزترین کتابخانه‌ها در میان زندان‌های ایران است اما به دفعات، زندانیان سیاسی با خبرنگاران و بستگان و دوستان خود تماس گرفته و درخواست کرده‌اند که کتاب‌های مشخصی از نویسندگان خاص برای ایشان ارسال شود چون این کتاب‌ها یا داخل کتابخانه زندان موجود نیست یا اینکه در صورت موجودی، تمام زندانیان به طور یکسان و برابر امکان و اجازه دسترسی به این کتاب‌ها را ندارند و ناظران و صاحبان بندها تصمیم می‌گیرند که زندانیان تحت مسوولیت‌شان در چه زمانی و با چه شرایطی از کتابخانه زندان استفاده کنند. مثال دیگر از تفاوت امکانات مورد نیاز زندانیان بنا به بندها است که در آن ساکن هستند، وجود فروشگاه‌های عرضه اقلام و مایحتاج اولیه است که طبق گفته زندانیان، ظاهراً در تمام بندها یا چنین امکاناتی وجود ندارد یا میزان موجودی فروشگاه‌ها در هر بند با دیگری متفاوت است. محدودیت ملاقات زندانیان با اعضای خانواده هم بسته به اینکه با چه جرمی و چه نوع از محکومیت در کدام بند زندان باشند متفاوت است و مثال دیگر از این تفاوت‌ها، ویژگی‌های سازه‌های بندهاست. به عنوان مثال، بند ۶ (350 سابق) که از بندهای عمومی زندان و زیرنظر قوه قضاییه است، یک ساختمان دو طبقه است که چهار ضلع ساختمان همچون حصاری دور یک حیاط مربع احداث شده و دو ضلع ساختمان، محل نگهداری زندانیان شامل 7 اتاق (هر اتاق 6 در 6 متر) در هر طبقه است در حالی که بندهای 240 و 209 (متعلق به وزارت اطلاعات) دارای سلول‌های انفرادی و چند نفره (موسوم به سویت) در چند طبقه است.

### «اوین» عرصه‌ای بر بام تهران

طبق اطلاعات مندرج در منابع تاریخی مکتوب، اوین، یک ناحیه کوهستانی واقع در دامنه‌های البرز - ارتفاعات توچال- است که محله اوین، بخشی از این ناحیه محسوب می‌شود. منطقه‌ای سردسیر که به واسطه کوهستانی بودن، تابستان‌های خنک و زمستان‌های بسیار سرد و یخ‌بندان‌های طولانی دارد. محله اوین در دهه‌های قبل، به واسطه باغ‌های وسیع و متعدد، بسیار سرسبز بود که به دنبال توسعه شهری و صدور مجوزهای بیرویه انبوه‌سازی، باغات این محله تخریب و تبدیل به برج‌های مرتفع شد و حالا از فضای سبز منطقه تقریباً اثری باقی نیست. قدمت محله اوین را در حدود 10 قرن تخمین زده‌اند که به واسطه وجود نهرهای پرآب پیرامون «تپه سرباز» شکل گرفته است؛ تپه‌ای که در

اوایل دوران قاجار به مرکز اردوگاه نظامی و آموزش فنون رزمی تبدیل شده و به همین سبب هم به «تپه سرباز» ملقب می‌شود. بخش وسیعی از زمین‌های محله اوین و از جمله مساحتی که امروز زندان اوین در آن واقع شده، املاک سید ضیا الدین طباطبایی؛ سیاستمدار و نخست‌وزیر ایران (اسفند 1299 تا خرداد 1300) در دوره پادشاهی احمد شاه قاجار بوده و گفته می‌شود که بعد از کناره‌گیری از سیاست در نیمه دهه 1330، در املاک خود در محله اوین، به کشاورزی و دامداری مشغول شده است. طبق اسناد تاریخی، ساختمان کنونی زندان اوین، خانه مسکونی سید ضیا واقع در املاک شخصی او بوده که بعد از درگذشتش در سال 1348، بازسازی و با تغییراتی تبدیل به زندان شده است.

امیر نصرت منقح؛ از جمله معمارانی است که در بازسازی بنای مسکونی محل زندگی سید ضیا و قطعه‌بندی ساختمان با سلول‌ها و راهروهای و تقسیم بنا نقش داشته است. البته فضای محصور زندان اوین مشتمل بر حدود 40 هکتار زمین است که ساختمان زندان، بخشی از آن به شمار می‌رود.

آذر 1380، لایحه تقدیمی دولت هشتم با عنوان «لایحه انتقال زندان‌ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی موجود به خارج از شهرها» در جلسه علنی مجلس به تصویب رسید و در همان ماه توسط شورای نگهبان تایید شد. اردیبهشت 1391، محمدباقر قالیباف؛ شهردار وقت تهران از تبدیل زندان اوین به بوستان و فضای سبز و انتقال بزرگ‌ترین زندان سیاسی کشور خبر داد تا امروز و با گذشت 10 سال از این وعده و 21 سال از تصویب این لایحه، بازداشتگاه اوین همچنان پابرجاست و در این سال‌ها هم خبر جدیدی درباره اجرای این تصمیم شنیده و منتشر نشده است.

### نمایش‌های غیرواقعی از واقعیت‌ها

طی دهه اخیر، قوه قضاییه مهمانانی عجیب در زندان اوین داشته از جمله تابستان 1396 که 50 سفیر از کشورهای خارجی از جمله اندونزی و پرتغال و کره جنوبی به بازدید از بزرگ‌ترین زندان سیاسی ایران رفتند. سفرای خارجی بعد از بازدید از زندان، شگفت‌زده از وضعیت مطلوب زندان اوین تعریف کردند که «آنچه از شرایط اینجا دیدم بسیار خوب است. امکانات تربیتی و اصلاحی که در این زندان است بسیار خوب است و شرایط زندانیان بسیار خوب و رفتاری که با آنها می‌شود بسیار مطلوب است. قبل از اینکه بیایم فکر می‌کردم این زندان شلوغ و غیرقابل مدیریت باشد و محیط خوب و شادی‌بخش نداشته باشد. هنگام بازدید شوخی می‌کردم و می‌گفتم شرایط اینجا آن‌قدر خوب است که

شاید برخی زندانیان ترجیح بدهند در زندان بمانند... امروز در بازدید اوین فرصتی کردم که از شرایط این زندان آگاه شوم. این يك مدل خوبی است و خیلی شگفتزده شدم و برایم اطلاعات جالبی داشت و فکر می‌کنم شرایط این زندان واقعا شرایط خیلی خوبی است و این بازدید من را تحت تاثیر قرار داد... من زندان‌های کشورهای دیگر را ندیدم اما چیزی که برایم خیلی جالب بود اینکه اینجا زندانیان لباس فرم ندارند، اسمشان روی لباسشان نوشته نشده و درهای زندان‌ها بسته نیست. اینجا زندانیان نمازخانه، کتابخانه و آرایشگاه دارند و درهای خوابگاه‌ها بسته نیست و همه می‌توانند با هم ارتباط داشته باشند.»

با فاصله‌ای کمتر، خبرنگاران داخلی و خارجی هم به تماشای «اوین» دعوت شده بودند و در همین بازدید بود که سهراب سلیمانی؛ مدیرکل وقت زندان‌های استان تهران گفته بود: «ظرفیت اسمی زندان اوین هزار نفر است اما آمار کل زندانیان در این بازداشتگاه 5 هزار و 300 نفر است که در حال حاضر، 2 هزار و 500 نفر از آنان در زندان و مابقی در مرخصی هستند.»

در همین بازدید، زندانیان در گفت‌وگو با خبرنگاران از وضعیت زندان ابراز رضایت کرده بودند و تحمل دوران بازداشت در این زندان را به دیگر بازداشتگاه‌ها ترجیح داده بودند و خبرنگاران هم در گزارش‌های خود تایید کردند که «مشاهدات ما از گوشه‌هایی از زندان اوین و شرایط زندگی آنان، گفته‌های مقامات قضایی جمهوری اسلامی ایران را مبنی بر اینکه زندان‌های ایران در جهت حفظ حقوق شهروندی و حقوق زندانیان به مراتب بهتر از زندان‌های دیگر کشورها است، تایید می‌کند.»

بازداشتگاه اوین در طول 4 دهه گذشته، محل نگهداری محکومان سیاسی و فعالان مدنی و معترضان وضع موجود است. استادان دانشگاه، معلمان، ورزشکاران، دانشجویان، روزنامه‌نگاران، نویسندگان و هنرمندان، فعالان کارگری و دوستداران محیط‌زیست، چهره‌های سیاسی و حقوقی و قضایی سرشناس، سال‌هاست که «اوین» خانه دومشان شده است. طی سال‌های اخیر، مسوولان وقت سازمان زندان‌ها مدعی شده‌اند که حقوق انسانی زندانیان در «اوین» به طور کامل رعایت می‌شود. شهریور 1400، گروه هکری «عدالت علی» موفق به هک کردن دوربین‌های مدار بسته در برخی بندهای این زندان شد و بعد از 4 دهه، با نمایش تصاویری تلخ از بدرفتاری زندانبانان «اوین» با زندانیان، واقعیت پشت دیوارهای بزرگ‌ترین زندان سیاسی ایران را به عموم مردم ایران نشان داد. توضیح اعتماد: تمام اطلاعات این گزارش مستند به وبسایت‌های رسمی و گفته‌های زندانیان سابق است

## نخستين اعداميهاي اوين

بيژن جزني، عضو موسس سازمان چريكه‌هاي فدائي خلق، در اواسط اسفندماه ۱۳۵۳ به زندان اوين برده ميشود و در شبانگاه ۲۹ فروردين ۱۳۵۴ همراه با ۸ تن در تپه‌هاي اوين توسط مامورين ساواک و زندان اوين تيرباران مي‌گردد.

حسن ضياظريفي، احمد جليلي افشار، سعيد (مشعوف) کلانتری (دایي بیژن جزني)، عزيز سرمدي، محمد چوپانزاده، عباس سورکي، مصطفي جوان خوشدل، سيد کاظم ذوالانواري همراه با بيژن جزني تيرباران شدند. روزنامه‌هاي کشور در فردي آن روز از اعدام بيژن و يارانش خبر دادند که ۹ زنداني در حين فرار از زندان کشته شدند. اين موضوع تا زمان انقلاب بهمن و دستگيري و محاکمه کارکنان ساواک مسکوت ماند. در دادگاه کوتاه پس از انقلاب، آرش بازجوي ساواک تشریح کرد که بيژن و يارانش را به تپه‌هاي اوين برده و در آنجا به رگبار گلوله بستند.

منبع: [www.iranpress.com](#) 25 آبان 1401